

صنم و برهمن

ملا فتح الله شاهنامه چپی

www.ketab.ir

به تصحیح زهرا حسینی

با مقدمه و تعلیقات

سر شناسه	: شاهنامه چی . فتح الله
عنوان و نام پدیدآور	: صنم و برهمین ملا فتح الله شاهنامه چی : به تصحیح زهرا حسینی
مشخصات نشر	: البرز (کرج) : زهرا حسینی ، ۱۳۹۳ .
مشخصات ظاهری	: ۱۳۱ ص .
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۴-۱۱۸۶-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: واژه نامه .
یادداشت	: کتابنامه .
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۱ ق .
شناسه افزوده	: حسینی ، زهرا ، ۱۳۴۰ - ، مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ص ۹ / PIR ۶۳۲۲/۵
رده بندی دیویی	: ۸۶ / ۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۱۸۷۰۳

نام کتاب: صنم و برهمین
 سراینده: ملا فتح الله شاهنامه چی، به تصحیح زهرا حسینی
 ناشر: زهرا حسینی
 طراح جلد: مصطفی سروریان
 چاپ اول: تابستان ۹۴
 شمارگان: ۱۵۰۰
 چاپ: نگاران شهر
 بها: ۱۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۴-۱۱۸۶-۲

نشانی: البرز، کرج، میدان سپاه، خ بوستان، نیش یاس، پلاک ۳۵.
 کدپستی: ۳۱۴۵۶۱۴۱۱۱ - تلفکس: ۰۲۶-۳۴۴۰۴۱۷۲
 نشانی الکترونیکی: Hosseini_z90@yahoo.com

کلیه حقوق چاپ اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشر محفوظ است (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

پیش گفتار

مثنوی «صنم الخیال» یا «صنم و برهمن» سروده ای است عارفانه و عاشقانه؛ بیانگر اعتقاد راسخ دینی شاعر و شوق هنرورزی او در حول باورهایش. نیروی ایمان در شاعر خود نوعی عشق است از آن جهت که عشق رابطه عاشق را با امور دنیوی قطع می کند و بهشتی را برای عاشق مهیا می کند که جز آرزوهای خود نبیند.

شاعر زود از شراب لایزالی، از خود بیخود می شود و به توصیف جمال حق تعالی می پردازد.

جو بیهوشی فراید مستی ام را فرو گیرد تجلی هستی ام را (۶۸)
قیامت در قیامت صور در صور تجلی در تجلی نور در نور (۶۹)
و از خدا می خواهد:

بیفکن آتشی در جسم و جانم که سازد آب مغز استخوانم (۸۷)
ببخشا پرتوی حق الیقینم ید یضا برآور ز آستینم (۱۰۹)
گفتگوهای شاعر در عاشقی و بندگی بسیار عارفانه و عالمانه است. در نعت پیامبر و منقبت حضرت اسدالله، عشق و اعتقاد عمیق دینی خود را می سراید.

در دوره ای که شعر در میان خواص ارج و قربی ندارد، «ملا فتح الله» به فقه و علم پرداخته است، تا مقبول زمان باشد. ولی تجربه عشق و استعداد، از او شاعری ساخته که گاه فقیهانه، گاه عالمانه، گاه عارفانه و گاه عاشقانه بسراید. اما نیروی برتر عشق و اعتقاد و باور دینی او به بار می نشیند و این مثنوی اخلاقی و دینی شکل می گیرد.

جهان از بحر عشق انگیخت یک موج

که از لعل و گوهر آراست صد فوج (۳۶۵)

الهی تابود از عشق نامی ملک را بخش از آن میخانه جامی (۳۶۶)

درباره آفرینش آدم و خزانه داری او، در مرصاد العباد چنین آمده است:

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید، نامش دل شد

... چون نوبت به دل رسید، دل آدم را از ملاط بهشت بیاوردند، و به آب حیات

ابدی سرشتند ... (مرصاد العباد، ۶۷-۶۹)

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(حافظ، ص ۱۴۲)

به کام جان بریز آب حیاتی دلم را بخش از این ظلمت نجاتی

(صنم و برهن، ب ۱۳۹)

... چون کار دل بدین کمال رسید، گوهری بود در خزانه غیب که آن را از نظر

خازنان ملکوتی نهان داشته بود، و خزانه داری آن به خداوندی خویش کرده، فرمود

که آن را هیچ خزانه لایق نیست الا حضرت ما، یا دل آدم. آن چه بود؟ گوهر

محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بود و خزانگی آن را دل آدم لایق

بود که به آفتاب نظر پروده بود، و به خزانه داری آن جان آدم شایسته بود که در

چندین هزار سال از پرتو نور جلال احدیت پرورش یافته بود.

(مرصاد العباد، ۶۷-۶۹)

همین نگاه را در صنم و برهن چنین می خوانیم:

جو بر گنجینه ی آدم گذر کرد فروغ جوهر خود را نظر کرد (۳۱۶)

هنوز این نور در کتم عدم بود که عشق از پرده داران حرم بود (۳۲۸)

فروغ عشق آثار حضورش محبت پرده پیرای ظهورش (۳۳۰)

محبت فارغ از امید و بیم است که دل ها را بهم عهد قدیم است (۶۱۲)

بنابر این ندارم اشعار صنم و برهمن را با شعر شاعران بزرگی چون حافظ و مولانا و ... مقایسه کنم، بلکه بر آنم که بگویم ملافتح الله، شاعری است، فقیه و دانشمند و توانا و برای بیان رموز فکری خود، راه صوفیان و عارفان را، برگزیده و لوای حق پرستی برافراخته است. آتشخورهای دینی و حکمی او قرآن و روایات اسلامی است. از آغاز ذکر خدا و عشق به اوست.

حدیث کنت کنزاً را فرو خواند سمند کفر را بر ملک عدم راند (۳۷)
چنان بانگی بر اقلیم صورت زد که خاک از کمرته ی افلاک سرزد (۴۳)
حضورش را رسوم غیت آموخت زبانش را رموز حکمت آموخت (۴۵)
چو بنماید جمال حق تعالی سراپا دیده گردم در تماشا (۵۰)
چون نور او دلم را بر فروزد به جز جان هر چه را بیند، بسوزد (۵۲)

«عشق بزرگترین راز حیات است و سر بقای دنیا. با آنکه همه صوفیان عشق و حالات آن را توصیف ناپذیر می دانند، معذک سعی کرده اند فلسفه آن را در اختیار دیگران بگذارند.

خداوند اشیا را به حاضر انسان و انسان را به خاطر خویش آفریده است، و به مصداق «کنت کنزاً مخفیاً و احببت ان عرف و خلقت الخلق لکی اعرف»، جهان و آدمی را خلق کرد تا خویش را بشناساند، بنابراین به آفریده خویش عشق می ورزد و مانع می شود که آدمی به غیر او دل ببندد، بی شک آنکه گاهی به سوی خدا پیش رود، خدا نیز مسافتی بیشتر بدو نزدیک می شود.» (اصول و مبانی ...، ص ۶۸)

ملت عشق از همه دین ها جداست عاشقان را مذهب و ملت خداست

(مثنوی، دفتر دوم، ب ۱۷۷۰)

در توصیف صوفی از عشق در «اصول و مبانی تصوف و عرفان»، می خوانیم:
عشق دریای است که قعرش ناپیدا، آتش آتش، موجش گوهر، گوهر اسرار و

هر سرش راهبر سالک را به جانب معناست. (ص ۷۷)

پس از عمری که شد طی منازل به پیش آمد یکی دریای هایل (۶۵۶)
محیط معرفت چون موج انگیخت هجوم موج گوهر بر کران ریخت (۱۸۵)
خورد گر غوطه ای در بحر اسرار کشد در گوش گردون دُر شاهوار (۶۰۴)
گشود از موج بر هر سو زبانی که از گنج بقا گوید نشانی (۶۷۰)

تفکر ملافتح الله شاهنامه چی «تصوف شیعی» است. هانری کوربن در این اعتقاد چنین می گوید: تصوفی که با تشیع واقعی آشنا بود... ویژگی های ابن شیوه فکری آن است که عروج قلبی روحانی را با ترتیب دقیق فلسفی تشریح و تفسیر می کند. بر این اساس، تصوف حقیقی از آغاز پیدایش، هیچ گاه از تشیع جدا نبود... و عرفان شیعی بر محور ولایت و عشق و محبت شکل گرفته بود و آفاقی وسیع را پیش روی پیروانش می گشود

بیش عرفانی در این مثنوی همه چیز را سرشار از حیات می کند، و جلوه گاه گلشن رازی می سازد که عطر و بوی ایمان روح انسان را تلطیف می کند.

فضای پیشگاهش گلشن راز در و دیوار کوبش بر سر ناز (۹۳۷)

شیخ محمود شبستری در معنی «بت» چنین می گوید:

بت اینجا مظهر عشق است و وحدت بود ز ناز بستن عقد خدمت
چو کفر و دین بود قائم به هستی شود توحید عین بت پرستی
و گر مشرک ز بت آگاه گشتی کجا در دین خود گمراه گشتی
درون هر بتی جانی است پنهان به زیر کفر ایمانی است پنهان

(گلشن راز، ۸۹۳-۹۰۴)

معرفی شاعری عارف و پروانه ای سوخته شمع ولایت، و فنا شده در عشق الهی و بی نشان از خود، انگیزه تلاش من برای تصحیح این مثنوی معنوی بوده است.

شراب جلوه را در ساغر مریز غبار بی‌نشانی بر سرم بیز (۱۲۸)
 بیما آن شراب صوفیانه که نگذارد ز کفر و دین نشانه (۱۲۹)

روش کار

تصحیح حاضر شامل یک مقدمه و دو بخش است.

در مقدمه به شرح حال شاعر، اصالت کتاب، خصایص رسم الخطی، سبک بیان صنم و برهمن، کتابشناسی و نسخه شناسی و شیوه تصحیح کتاب پرداخته می‌شود. در بخش نخست داستان تصحیح شده «صنم و برهمن» سروده «ملافتح الله شاهنامه چی»، بر اساس دو نسخه معرفی شده در مقدمه، آمده است. در پانوشت‌ها تفاوت دو نسخه و توضیحات بیان شده است.

در بخش دوم، تعلیقات مختصری ترتیب داده شده است، این بخش عبارت است از:

- ۱- مطالب دستوری، وندهای به کار رفته در متن و کاربرد کهن فعلی است.
 - ۲- لفظ تراشی و ترکیب سازی خاص و اصطلاحات عامیانه و برخی لغات و اصطلاحات عربی
 - ۳- آرایه های ادبی
 - ۴- واژه نامه
 - ۵- فهرست اعلام
- قسمت های ۱، ۲، ۳، به معرفی بیشتر سبک بیان این نسخه ارزشمند ادبی - معنوی می پردازد.
- قسمت ۴، واژه نامه ترتیب داده شده، برای جذب عموم خوانندگان است.

تصحیح صنم و برهمن در تاریخ ۸۴/۱۲/۱۷ با شور و شوق وصف ناپذیری آغاز شد. ولی در نیمه های کار، مادر مهربانم را از دست دادم؛ کار ناتمام ماند.

به دلیل وقفه ای که افتاده بود، خواندن نسخه را از اول شروع کردم. تا پایان تطبیق نسخه ها پیش رفتم و در حال ترتیب تعلیقات بودم که لطف خدا شامل حالم شد، در دوره دکتری قبول شدم. در این دو سال پایانی، ضمن خواندن درس، بارها و بارها متن نسخه را خواندم و خیلی از اشکالات، برایم روشن شد. واقعاً حکمت این به تعویق افتادن ها را نمی دانم، اما امروز از خدای مهربان سپاسگزارم که توفیق انجام آن را یافتم.

اکنون که تصحیح این نسخه را بعد از هفت سال به پایان می برم، اشکهایم را بدرقه آن می کنم و به ایات پایانی صنم و برهمن می اندیشم:

رهی کش عمرها باید بریدن شاید منزل اول دویدن (۹۷۹)

درختی کو به سالی گل دهدبار به ماهی کی ثمر آرد پدیدار (۹۸۰)

امیدوارم این خدمت خالصانه به فرهنگ و ادب کشورم مورد توجه تک تک هموطنان فرهنگ دوستم قرار بگیرد.

الهی! تو خواستی، نه من خواستم.

زهره حسینی، تابستان ۹۲، کرج

پیش گفتار.....	۱
مقدمه.....	۹
شرح حال شاعر.....	۹
اصالت کتاب.....	۱۲
خصایص رسم الخطی.....	۱۲
ویژگی‌های نسخه‌ی A.....	۱۸
ویژگی‌های نسخه‌ی B.....	۱۹
سبک بیان صنم و برهمن.....	۱۹
الف) برخی ویژگی‌های واژگانی.....	۲۰
ب) برخی ویژگی‌های زبانی و دستوری.....	۲۰
کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی.....	۲۳
شیوه تصحیح کتاب.....	۲۶
عکس نسخه‌ی A.....	۲۷
عکس نسخه‌ی B.....	۲۸

بخش ۱

صنم و برهمن = صنم الخیال

بسم الله الرحمن الرحيم.....	۲۹
[جمال حق تعالی].....	۳۱
[رمزی از مقامات].....	۳۳
[بنای بندگی].....	۳۶
[در نعت سید عالم توانا].....	۳۷

۴۲.....	مبعث معراج.....
۴۴.....	منقبت حضرت اسدالله الغالب مظهرالعجایب و مظهرالغرایب مطلوب.....
۴۶.....	داستان صنف و برهمن.....
۴۷.....	[نقش عشق].....
۴۹.....	[سخن دیباچه وحی].....
۵۰.....	سبب نظم کتاب.....
۵۵.....	قصه ی برآمدن بدر صنف از وطن و به ملک دکن افتادن.....
۵۷.....	[لقاب صنف].....
۵۸.....	[ولی طبعش به جز در قم نیاورد].....
۶۲.....	[محبّت عهد قدیم].....
۶۷.....	فرستادن برهمن قاصد نزد صنف.....
۷۲.....	واقف شدن صنف از حال برهمن.....

بخش ۲

تعلیقات

۸۳.....	واژه نامه.....
۱۱۱.....	برخی ویژگی های دستوری.....
۱۱۱.....	پیشوندها، پسوندها.....
۱۱۴.....	کاربرد های کهن فعلی.....
۱۱۹.....	لفظ تراشی و ترکیب سازی خاص.....
۱۲۲.....	آرایه های ادبی.....
۱۲۹.....	فهرست اعلام.....
۱۳۰.....	کتابنامه.....